



دوره هفتم تقنینیه

مذاکرات مجلس

شماره

۹۴

جلسه

۹۴

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه یکشنبه ۲۲

دیماه ۱۳۰۸

مطابق ۱۱ شعبان

۱۳۴۸

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبعة مجلس

قیمه اشراك

داخله ایران سالبانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان

قیمه تک شماره

یک قران

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۰۸ (۱۱ شعبان ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) سؤال آقای فیروز آبادی راجع بتوقیف متهمین انبار و جواب آقای وزیر عدلیه
- (۳) مذاکره در لایحه تأمین مدعی به از ماده ۳۲
- (۴) افتراء برای شرفیابی و عرض تبریک عبد مولود امام عصر ع
- (۵) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس پنجشنبه ۱۹ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

فیروز آبادی - قبل از دستور

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

رئیس - آقای حیدری

آقا سید یعقوب - قبل از دستور

حیدری - قبل از دستور

رئیس - آقای فیروز آبادی

(مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

عین مذاکرات مشروح نمود و چهارمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبین اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین با اجازه آقایان : فهیمی - افخمی - یور محسن - بوشهری - دکتر امیراعلم - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - احتشام زاده - موقر - اورنگ - بروجردی - امیر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کیخسرو - رفیع - تیمور تاش

غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسن خان وثوق - بیات ماکو - آصف - اعظم - حبیبی - ارستانی - ناصری - نویم - ملک مدنی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه : آقایان : نجومی - عبدالحسین خان دیبا
دیر آمدگان بی اجازه آقایان : شریعت زاده - کیا - اسدی

رئیس - در صورت مجلس مخالفی نیست ؟
(نمایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم ؟

بعضی از نمایندگان - بله

[۲ - سؤال آقای فیروز آبادی راجع بتوقیف متهمین انبار و جواب آقای وزیر عدلیه]

رئیس - آقای فیروز آبادی سؤالی از آقای وزیر عدلیه کرده بودید ایشان برای جواب مهیا هستند سؤالتان را بفرمائید .

فیروز آبادی - بنده اولاً خدارا در حضور همه آقایان شاهد میگیرم که در اینجا که میام غرض بدی به احدی نداشته و ندارم و امید وارم که همیشه بهمین حال باقی بمانم در اینجا که میام غرضم این است که چون قوانین اسلامی را از طرف خدا میدانم و امروز قوانین اسلامی را بهترین قوانین از برای اصلاح حال بشر میدانم و بقدر قوه که دارم آن را تقویت میکنم و در این زمینه همه چیز خوابیده . آسایش بشر در این قوانین خوابیده استقلال مملکت خوابیده رفع فساد از مملکت خوابیده همه چیز در این عقیده است و هر وقت وضعیات به بنده اجازه بدهد عقیده دارم هر چیزی که اسباب آسایش نوع بشر یا بعضی از افراد بشر بشود بیایم اینجا عرض کنم در چندی قبل آقای وزیر عدلیه يك پیشنهادی به مجلس کردند و اختیاری از مجلس خواستند که در عرض شش ماه بعضی از امور را در موقع امتحان و اجرا در بیاورند و اگر خوب شد پیشنهاد مجلس کنند و قانونش بکنند که عملی بشود بنده در همان روز هم مخالف بودم و عرض میکردم که خوب نمیشود قوه قضائیه ، قوه مقننه ، قوه مجریه ، همه يك جا باشد این هم بر خلاف مشروطیت است و هم

بر خلاف همه چیز ها ولی از آنجائی که مجلس به آقای وزیر عدلیه اعتماد داشت (ملک آرائی - و دارد) در این موضوع بخصوص رأی داد و امیدوارم که ثنی پیدا نکنند نه در این دوره و نه در هیچ دوره بعد هم بموجب اجازه که از مجلس گرفتند مشغول عملیات شدند از جمله عملیات ایشان این شد که گفتند در انبار يك مقداری جنس مفقود شده گم شده معلوم نیست چه شده ایشان هم چون خواستند آن جنس را پیدا کنند محتسب را پیدا کنند در صدم معلوم کردن آن جنس برآمدند و عده را گرفتند توقیف کردند استنطاق کردند و الان نزدیک دو ماه است که آنها در حبس هستند بعضی ها حبس تاریک بعضی ها غیر تاریک اینها در حبس هستند برای اینکه این اختلاس که ادعا شده است کشف بشود و حال آنکه اساس مشروطیت این نبود و اساس مشروطیت را بنده می بینم در واقع متزلزل است در مملکت
روحي - اینطور نیست آقای

فیروز آبادی - برای اینکه هیچ قانونی اجازه نمیدهد که کسیکه تقصیرش معلوم نیست دو ماه در حبس بماند اگر مشروطه این است کسی مشروطه نمیخواهد خوب حالا اینها را کار ندارم چون حالا خیلی حبس آقایان طول کشیده و در بحال هم ما اطلاع پیدا نکرده ایم که نتیجه حبس این قبیل اشخاص چه اشخاصی که بعنوان اختلاس انبار حبس شده اند و چه اشخاصی که از نقاط دور دست و نزدیک بعنوانات دیگر یا بعنوان قاچاق تریاک حبس شده اند وقتی که بنشیند يك ماه بیست روز آنها را استنطاق کردند و چیزی معلوم نشد باید آنها را رها کنند یا اینکه اگر معلوم شده بگویند این تقصیرش است اینهم مجازاتش ورها کنند و همیشه اینها در حبس نمانند این لطمه و صدمه به مشروطیت ایران وارد می آورد يك لطمه بقانون اساسی وارد می آورد یعنی روح قانون اساسی و مشروطیت را از بین میبرد و مشروطیت عبارت میشود از این اعمال و گمان میکنم

خود دولت و خود وكلا و هیچکس راضی باین اعمال باشد خلاصه بنده چون نمیدانستم و در اطراف هم مذاکراتی در این زمینه میشد و مردم دلتنگ از مجلس و دولت بودند و بنده چون عقیده ندارم که کسرا بگذاریم امروز از دولت یا از مجلس دلتنگ بشود تا اینکه این امنیتی که امروز داریم همیشه برقرار بماند از این جهت مجبور شدم این سؤال را از آقای وزیر عدلیه بکنم که در این مدت قریب دو ماه که اشخاص محترم در حبس هستند چه کشف شده چه عاید شده و تکی خیال دارند آنها را در توقیف نگاه دارند این عرض بنده است .

وزیر عدلیه (آقای داور) - نماینده محترم یکی از نمایندگانی هستند که مکرر در لزوم مجازات و حتی در شدت مجازات آمده اند و بیاناتی فرموده اند
فیروز آبادی - صحیح است در باره دزد واقعی و حقیقی .

وزیر عدلیه - تأکیدی کرده اند و حتی خطرم می آید که مکرر فرموده اند این مجازاتها شدید نیست
فیروز آبادی - بله باید دست دزد ها را برید

وزیر عدلیه - و باید دست دزد را برید (فیروز آبادی - صحیح است صحیح است) بنده در حسن نیت ایشان هیچوقت تردید نداشته و نخواهم داشت ولی ایشان دلشان میخواهد که توپ بی صدا باشد و نمیشود توپ صدا دارد (خواجوی - صحیح است) توپ بی صدا از من بر نمی آید از هیچکس بر نمی آید وقتی میخواهند مجازات بشود شدت بشود طوری بشود که مردم ملاحظه کنند قلب نکنند مال دولت را نبرند البته آنوقت يك اقداماتی میشود که شما با همان حسن نیت عوض اینکه آن بیچاره که مأمور اقدام است و بواسطه همان بیانات و حرف های شما و همان تأکیدات شما و بواسطه پیش بردن همان نظریات می آید

يك تقاضائی میکند پیشنهادی میکند و شما يك اختیاراتی بهش میدید بعد میرود عمل می کنند و همه مردم بهش فحش میدهند برای اینکه غرض و مقصود شما را بیش برد عوض اینکه شما از این شخص حمایت بکنید خود شما هم اینطور میکنید حالا بنده با اینکه دوسه روز است سخت مریضم و حالا ها خیلی بزرگت حرف میزنم مخصوصاً امروز آدم اینجا و موقع را مغتنم می شمارم و خیلی هم خوشوقت هستم که این سؤال شد که بنده بتوانم در پشت تریبون مجلس جواب این بیانات آقایان بدهم تا بگذرد هم افکار مردم متوجه شود بن اندازه که ممکن است کمتر بمن فحش بدهند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) عرض کنم اول بنده میخواهم بگذردی وضعیت ارزاق را از برای آقایان تشریح کنم برای اینکه اگر این مقدمه نباشد مطلب خیلی واضح نمی شود . بنده مثل سایر افرادی که در این شهر هستند و مثل خود آقایان مکرر در مکرر شنیدم که امور ارزاق خوب اجرا نمیشود تا چندی پیش راپورتی رسید که رفته اند رسیدگی کرده اند جنس را وزن کرده اند و يك مقداری کسر دارند این راپورت را دیوان جزا دادند مدعی العمومه دیوان جزا به بنده مراجعه کرد بنده گفتم نظر بر اینکه راپورت آنها آمده شب بایستی بروید تحقیق کنید . وقتند از طرف دیوان جزا شروع کردند به تحقیقات آن تحقیقات شاید قریب بدوماه طول کشید و قرائن و دلائل زیادتی هم از برای این کسر انبار وجود داشت بعد ما مجبور شدیم اقدامات خودمان را بگذردی شدید تر کنیم تا این که بتوانیم از این کلیات يك نتایج عملی بگیریم این بود که آن قانون را آن لایحه را آورده و آقایان هم موافقت فرمودند و اکثریت رأی دادند که بنده این اقدامات را بکنم . اگر بنده آدمی بودم که میخواستم برخلاف قانون کاری کرده باشم دیگر ازومی نداشت بیایم و خودم را صریحاً طرف قدر بدهم همان طوری که ملاحظه میفرمائید بنده از برای

وضعیت نان طهران را الان باید در نظر بگیرند گرانى نان را در نظر بگیریم بدی نان را در نظر بگیریم که اینها از کجا ناشی شده ...

کاررونى - همه اش از این انبار شده .

وزیر عدلیه - در آن سالی که تنگی و قحطی آمد دولت يك يولى ریخت و از نقاط مختلف و نقاط خیلی بعید گندم آورد از برای طهران و بعد حساب کرد دید چهار میلیون خرج کرده است در این جا باین خیال افتاد که این چهار میلیون را که من از وجوه عمومی داده از برای ارزاق طهران این را باید در بیآوریم بنا بر این ولو اینکه سال هم خوب است من بیستی ارزاق را نگه دارم تا اینکه از عایدات این سنوات خوب بتوانیم جبران سنوات بد را بکنم روزی این فلسفه آمد و دستگاه ارزاق را مرتب کرد اگر این دزدی ها نبود اگر این تقلب ها نبود دولت میتواند عایداتی پیدا کند مینابستی اگر سال پیش موفق میشد امسال لااقل تا سال آتی تمام آن چهار میلیون را بر دارد و ول کند ارزاق را که مردم این شهر هم بتوانند نان خوب و ارزاق بخورند (صحیح است) ولیکن معلوم شد که در انبار علاوه بر شیشه و موش چهار میلیون دو یا هم هست (خنده ناپسندگن) هر چه از اینطرف دولت نفع میکرد از طرف دیگر میبردند (ظنوع - چرا این کار را دولت میکند تمام اینها کار غلط دولت است) نتیجه بعد از آنکه ما آمدیم و یکعده و یک اشخاصی را گرفتیم اول بنده عرض کنم که تمام این اشخاصی که در روزهای اول تعقیب شدند توقیف شدند تمامشان مقصر نبودند بعد از آنکه رسیدگی شد و معلوم شد چه وضعیتی است بعد از دوازده روز پنج روز بتدریج رها کردند يك عده دیگر باقی ماند آقا ممکن است بفرمائید که آن اشخاصی که گرفتند و بعد از رسیدگی معلوم شد که بی تقصیر بودند چرا گرفتند بنده عرض میکنم هنوز دنیا موفق

پیش بردن يك فکری از نقطه نظر شخص خودم شاید يك کار خطی کرده باشم برای اینکه ممکن بود يك کسی اگر میخواهد يك کاری بکند یا بفرض یا به حقیقت کاهی در بعضی موارد هم بر خلاف قانون عمل کنند و آن مقصود را پیش ببرد ولي بنده نخواستم اینکار را بکنم بنده برای اینکه خودم مستقیماً این کار را کرده باشم آمده اینجا و خودم را مسئول قرار دادم .. (ظنوع و فحش را برای نمایندگان درست کردید) برای اینکه خودم این کار را رسیدگی و عمل کنم قانون بعد از آنکه وارد این اقدامات شدیم معلوم است يك عده دستگیر شدند مطابق آن راپورتی که کمیسیون اول داده بود حدس می زدم و حساب می کرده و هنوز هم حساب میکنیم که شانزده هزار خروار از جنس انبار کسر آمده است در بین رسیدگی معلوم شد که علاوه بر آن کسر يك قضیه دیگری هم در کار بوده است و آن این است دولت وقتی دید احتیاج به جنس زیاد ندارد و صد هزار خروار جنس در انبارش مانده آمد اعلان کرد که فقط جنس حومه طهران را میخرد بقیع بیست و دو تومان و اگر از خارج جنس بیآورند آن را بفلان مبلغ تخفیف خریداری میکند بعد معلوم شد که جنسی که به انبار وارد شده بمراتب بیشتر از آن جنسی بوده است که حومه طهران میتواند است بدهد هم چنین حساب میکنند مطابق يك قرائنی که سی هزار خروار از جنسی که از عراق و قزوین و زنجان (فیروز آبادی - کرمانشاه) و کرمانشاه آمده است بانبار وارد شده تفاوتش را حساب کنید از قرار خرواری ده تومان اقلش میشود سیصد هزار تومان (صحیح است) سیصد هزار تومان يك طرف و شانزده هزار خروار دیگر از قرار خرواری بیست و دو تومان آقا حساب بفرمائید قضیه قریب شصت هزار بلکه هفتصد هزار تومان دوسیه اختلاس انبار است خوب در اینجا باید چند قسمت را در نظر بگیرند .

نشده است که وقتی تعقیب يك جرمی را میکند قطعاً از آن روز اول درست دستش را بگذارد روی آن کسیکه مقصر است در هر جایی که شما ملاحظه می فرمائید خواه دزدی و اختلاس نسبت بمال دولت باشد خواه مال مردم باشد چه قتل باشد چه جرم دیگر بالاخره يك اشخاصی بيك قرائنی طرف سوء ظن واقع میشوند و آنها را میگیرند و توقیف میکنند ولي بعد معلوم میشود که بعضی هاشان بی تقصیر هستند و آتهائی را هم که تقصیر دارند مجازات میکنند غیر از این نمیتوانند هنوز در هیچ جای دنیا موفق نشده اند. خودتان فکر کنید به بینید عملی نیست نمیتواند انسان بطور قطع کسرا بیاید تعقیب کند که بداند آن شخص منحصرأ مقصر است برای اینکه باید اولاً يك تحقیقاتی کرد تا اینکه کاملاً معلوم شود بنده کاملاً اقرار دارم معتقدم که میشود بصره حرف هم رفت يك کسیر گرفت و توقیف کرد و گفت میخواهیم به بینیم که تو مقصر هستی یا نه خیر البته باید يك قرائن و مدارکی باشد ولی آن قرائن و مدارک نمیتواند بقدری قوی باشد .

یعنی نمیتوانید شبی بگوئید هر وقت من يك مدارک قطعی داشتم بر اینکه يك کسی مقصر است او را بگیرم چون اگر بخواهید این کار را بکنید موفق به کشف هیچ چیزی نخواهید شد مثل اینکه در همین قضیه انبار دو ماه یا قانون سابق با وضعیت سابق با همان مدعی العموم با همان مستنطق با همان دستگاه محاسبات مانده همه رفتند رسیدگی کردند و نتوانستند مطلب را بجائی رسانند و ده روز بعد از آنکه شروع باین عملیات کردیم یواش یواش يك قضایه کشف شد که تا با امروز وقتی بخواهیم حساب کنیم قریب صد هزار تومان همین اشخاصی که الان هستند در آنجا اقرار کرده اند و نشان داده اند و گفته اند که چه جور برده ام و يك مقدار از اموالشان را هم داده اند که رقتیم و اموالشان را توقیف کرده ام

فرخی - اسم ببرید کبها هستند، اسم، اسم

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید بنده صحبت را بکنم اگر بنده میخواستم اسم بگیرم ممکن بود ولي بيك محظورانی بر میخوریم که تا وقتی که استنطاق تمام نشده است نمی شود و بیستی محرمانه باشد (صحیح است) و عملیات تمام بشود ولي بنده اینجا کارها را عرض میکنم روی همین راپرتی که در این جا بنده دارم يك نفر از قیانداریها که آن جا هست میگوید که من با يك نفر از ریز نویس های پای قبان کارهایی کرده ام ...

فرخی - دیگران دزدی نمیکند؟

(زنك رئیس)

رئیس - (خطات به آقای فرخی) - رعایت انتظامات را بفرمائید .

وزیر عدلیه - که فلان شخص دیگر که پیشخدمت بوده است ماها آمده ایم و خدمت شده ایم (ظنوع - تنها اینها گناه کارند دیگران بودند) اینها چندین دسته بودند در انبار و هر کدام يك کارهایی میکردند مثلاً يك دسته بودند همین شخص قیانداری که پیشخدمت و چند نفر از مأمورین امنیه که اینها شب می آمدند و جوال میبردند در انبار و جوال خالی را بر میگرداند از گندم فردا صبح با پته های جعلی این جوال های گنده را میبردند بخارج و بعد وارد انبار کرده میفروختند ...

(صحبت بین نمایندگان - زنك رئیس)

وزیر عدلیه - اگر بنا باشد که بنده هم بخواهم حرف بزنم و آقایان توجه فرمایند با حالی که من دارم نمیتوانم بنده از اول از آقایان عذر خواستم چون حال من مقتضی نبود معهداً آمده عرض کنم بعد از آنکه آن گندم را بر میگرداند فردا صبح باسم گندمی که وارد انبار میشود بدولت میفروختند یا این که میبردند بیرون و میفروختند بخارج ها این يك قسم بود. شما تصور میفرمائید همین اشخاص کوچک اختلاشان چقدر بوده است؟ قریب دویست هزار تومان که هزار خروار جنس

را خودشان اقرار کرده اند...

محمود رضا - با کوچک ها فقط این معامله را می کنید دیگران هم بودند

وزیر عدلیه - عرض کنم که آنچه را که تا بحال پیدا کرده ایم و تحقیق کرده ایم تعقیب کرده ایم هر کسی را که میخواهید بفرستید تحقیق کنید کلیات نگویید اگر شخص جنابعالی اطلاعی دارید بنده حاضرم با کمال میل آن اطلاع شما را بروم تحقیق کنم اگر کسی گفته است یا شخص دیگری اطلاع داده است یا جنابعالی اطلاعی دادید و ما ترتیب تعقیب کنیم بعد اینجا نوبت روی بنده بفرمائید که من بتو گفتم که فلان آدم فلان کار را کرده است و تعقیب نکردی (محمود رضا - خوب امیدواریم به بینیم) عرض کنم خدمتتان همینطور يك دسته دیگر اشخاصی بودند که جنس را که اصلاً وارد انبار نمیشده است پولش را میگرفته اند ترتیب اینطور بوده است که آن بولتن هائیکه در انبار بوده است جعل میکردند و بعد میبردند بحساب انبار میگذاشتند يك مقدار زیادی هم باین ترتیب برده اند يك طریق سومش هم اینطور بوده است که يك عده دیگر اقرار کرده اند که اینها می آمدند جنس را که سی من بوده است پنجاه من مینوشتند پنجاه من را هفتاد من مینوشتند وقتی که قیامدار بارز نویسی پای قیام همدست با کسی که مأمور کنترل بوده است باشند این نتیجه کارشان بوده است و در نتیجه بطوریکه بنده عرض کردم قریب صد هزار تومان معلوم شده است که این اشخاص برده اند خوب همان آدمی را که روز اول ما گرفته بودیم میگفت که من بکلی چیزی ندارم شما بروید زندگانی مرا به بینید و ملاحظه کنید که من باماهی سی تومان فرش ندارم و امروز هفت هشت روز است خانه ام ترفه ام و روز های اول هم در خانه اش چیزی بدست نمیامد اگر ما میخواستیم بگوئیم که این حرفها راست است و اول هم بنظر اینطور میامد و مطابق نظر آقا باید

و اش کنیم و شاید آقا میدانند که همین آدم بعد از بیست و پنجروز بعد از استنطاقات مکرر و تحقیقات زیاد بالاخره نشان داد که در منزل یکی از رفقای خودش شش هزار و نهصد تومان پول دارد (روحی - دزدند اینها صحیح است) ما ترتیب پول را در آورده خوب ممکن است البته باز عرض میکنم آقای من ممکن است که قانون يك مرتبه پرش بگیرد بيك نفر آدمی که حقیقه در پیش وجدان خودتان بگوئید که این شخص بی گناه است ولي از نقطه نظر صورت قانون متهم است و گناه کار است و بيك مرتبه هم ممکن است قانون پرش بگیرد بيك بچازه دیگر و مدتی هم او را تعقیب کنند قرائن هم باشد و بعد معلوم شود که آن شخص مقصود نبوده است حالا اگر بنامش يك نفر را بنده توقیف کردم باید بگویم برای این که ممکن است این شخص تقصیری کرده باشد بهر وسیله که هست باید محکومش کنم؛ خیر ما می آئیم با يك قوانینی يك شخصی را تعقیب میکنیم بعد از آن معلوم میشود که بی تقصیر است...

فرخی - چه چیز جبران حیثیت آن شخص را که شما گرفته اید میکند؟ (با حرارت)

وزیر عدلیه - راست میگوئید شما ولی هیچکس در دنیا نتوانسته است این را جبران کند شما خودتان نگاه کنید در جرائم خارج می بینید که می نویسند که فلان شخص را بردند محاکمه کردند و تبرئه شدند برآه کردن حیثیت آن شخص را جبران میکند.

فرخی - قرائن قویه لازم است برای تعقیب (صدای زنگ)

وزیر عدلیه - البته دلایل قویه باید باشد تشخیص این که دلایل قویه باید باشد که این قرائن قوی است یا خیر این با کی است؟ با آن کسانی است که رسیدگی میکنند یا آن اشخاصی که تحقیق میکنند شما تصور میفرمائید که بعضی این که يك

کسی بگوید که فلان است ما میرویم تعقیب میکنیم؟ بنده الان يك مثالی میزنم در يك ماه و نیم قبل يك کاغذ بی امضائی به بنده رسید که اگر شما میخواهید اشخاص مختلس را تعقیب کنید فلان شخص که در اداره ارزاق فلان محل غیر از ارزاق طهران است این شخص را شما بدهید توقیف کنند آنوقت معلوم خواهد شد بنده البته نمیتوانم بصرف کاغذ بی امضائی که فلان آدم را بدهید توقیف کنند بعد معلوم خواهد شد بيك کسی را توقیف کنیم برای اینکه کسی که خودش جرئت نمیکند امضایش را در کاغذی که به بنده مینویسد بنویسد حضور میشود بحرفش اعتماد کرد ولي چون بيك حرفهائی در آن کاغذ بود بنده گفتم که باید تحقیقات کرد قریب بيك ماه طول کشید این تحقیقات مخفی بعد از آنکه تحقیقات کافی شد دیدیم که مسئله بنظر یکقدری با اساس می آید و بعد بنده از مجاری رسمی باز بيك کارهائی کردم تا این که چهار روز قبل دادم آنشخص را توقیف کردند این شخص در ماه صد تومان حقوق داشته است امروز وقتیکه آمدند رسیدگی کردند تا امروزش صد هزار تومان را خودش اقرار کرده است و بیست هزار تومان قبالة املاک و آن چیزهائی بوده که بالاخره از این ماهی صد تومان پس انداز کرده است آقای من پس میشود گفت که بکلی آن کسی را که تعقیب میکنند بدون دلیل است بيك وقت بود که ما هر چه اقدام میکردیم نتیجه نمیگرفتیم این دلیل قطعی میشد که یا ما بيك اشخاص خیلی سست عنصر هستیم که می آئیم بحرف هر کس گوش میدهیم و ببخود میرویم مردم بی گناه را میگیریم یا این که ما مردمان مغرض هستیم که بی خود میخواهیم با یوش برای مردم بدوزیم ولي وقتی که ما بيك اشخاص را تعقیب میکنیم از ده موردی که نتیجه میگیریم بيك موردش هم اتفاق می افتد که تحقیقات ما بجائی نمیرسد یا این که او زرنک تر از ما بوده است و باصطلاح دم لای تله نداده است یا این که حقیقه بی گناه بوده است خوب آقا من چه کار کنم؟ بیایم از این مواردی که

ممکن است نتیجه بگیریم صرف نظر کنم با احتیاط این که يك بی گناهی تعقیب میشود؟ این اصل قضیه انبار و گرفتاری اشخاص برای این است که ما از بيك طرف میبینیم که بيك کارهائی در مملکت میشود و بيك پولهائی در مملکت گرفته میشود که باید بصرف خودش برسد البته بيك دزدین هائی که میشود دلمان میسوزد و البته میخواستیم این کارها اصلاً نشود وليکن وقتی که توقیف شدند اینها البته زن و بچه دارند کس و کار دارند آن زن و بچه البته می آیند جلوی آدم را میگیرند گریه میکنند ناله میکنند هم حرف ششزار و نهصد تومانی که گفته شد ده روز هر وقت بنده از دیوان جزا که می آمدم زن و بچه این آدم می آمدند و ناله میکردند که ما دن شب نداریم و بنده هم هی تا کید میکردم که تحقیقات این آدم را زودتر بکشید که تکلیفش معلوم شود بعد هم تصور میکردیم با این قرائنی که هست نباید این آدم گناهکار باشد بعد معلوم شد که اینطور است البته وقتی که ما این اشخاص را ظاهراً اینطور می بینیم تر حمان غلبه میکند آنوقت بی آئیم نفرین میکنیم به آن کسی که این کار را کرده است که این چه بلایى بود که بجان مردم افتاد اما مگر من برای کار خودم این کار را میکنم شما خواستید مملکت خواست قانون مملکت خواست (صحیح است) ولي وقتی که من این کار را میکنم و جلو بیری میکنم باید طرف حمله باشم؟ عرض کنم بخدمت آقایان بنده که عرض کردم با این حال کسالت مخصوصاً موقع را معتنم دانستم که بیایم اینجا برای این بود که بنده آدمی دانستم که بخوایم در جرائم چیزی بنویسم و قبل از وقت بيك حرفهائی بزنم ولي حالا که آقا مرا وادار کردند و سئوال کردند گفتم چه بهتر از این که بگویم در همین اعضاء ادارات اشخاصی هستند که بطور مساعد و از ترس خودشان به بنده بدمیگویند فحش میدهند که بکروزمبدا کار بدشان معلوم شود بنده بد بخانه بحکم قانون مجبور باشم چشمانم را بگیرم بيك عده دیگر اشخاص بی طرف هستند بيك عده هم اشخاصی هستند که این کارها را نکرده اند و البته بعد

آنکه بکفتری دقت شود معلوم میشود که این تعقیبات یک تعقیبی بوده است که نتیجه داده و یک مقدار مال رفته و دزدیده شده دولت برگشته است و این مسئله باعث خواهد شد که دیگر از این قبیل قضایا اتفاق نیفتد بلکه لااقل فحش ندهند و این رو بهمرفته یک قسمت از وضعیاتی است که بعمل آمده است معذک قول قطعی میدهم که در این امور خیلی با احتیاط پیش برویم و بحرفهایی که هر کس میاید و میزند گوش ندهیم چون بنده متوجه هستم که این روزها مردمی هستند که عید دارند برای اشخاص یا بیندازند ما کاملاً این چیزها را متوجه هستیم که مبادا یک وقتی یک آدم بیچاره در زحمت بیفتد و سعی میکنم که بعد از آن که اشخاصی هم توقیف شدند تحقیقات در باره آنها هر چه زودتر بیک جایی برسد متأسفانه فاصله بین این که ما گفتیم با اینکه پیدا کردیم خیلی زیاد است این صد هزار تومان با هفتصد هزار تومان این است که ما در مانده شده ایم و داریم تحقیق میکنیم و یک عده را هم گرفته ایم که قضیه با این حال بلکه پیش برود و با وجود اینکه هنوز نتیجه کامل نگرفته ایم امید داریم که این تحقیقات خودمان را به آن سرعتی که ممکن است و بدین از آن چه که نا بحال صرف وقت شده است صرف وقت کنیم که تحقیقات کامل شود و نا بحال به اینکه مأمورین دیوان جزا و مأمورینی که از طرف کمیته معین شده اند برای اینکار اینها از روز دوم آذر که شروع کرده اند که آن روز هم عید بوده است از آن روزی که شروع کرده اند تا این ساعت که بنده خدمت آقایان این عرض را میکنم فقط روز شنبه گذشته که عید بوده است تعطیل کرده اند جمعه ها را هم تعطیل نکرده اند یک عید هم در وسط بوده است تعطیل نکرده اند از صبح اینها میروند تا ساعت هشت و نیم و نه گاهی ده بعد از ظهر کار میکنند همه این کارها برای چیست از برای این است که قضیه بسرعت پیش برود و زودتر معلوم شود که آنهایی که مقصر هستند بروند بحاکمه

و آنهایی که مقصر نیستند خارج شوند. این کاری بوده است که ما تا بحال کرده ایم و توانستیم اگر خوب است که خوب است اگر بد کرده ایم آنها بسته است به انصاف آقایان

رئیس - آقای فیروز آبادی

روحی - دستور آقا

رئیس - یک بار دیگر میتوانند حرف بزنند

فیروز آبادی - عرض کنم بنده اولاً هیچ عرضی

نداشتم و ندارم و تشکر میکنم از آقای وزیر عدلیه که به مجرد اینکه آن جلسه سؤال شد با حال کلمات امروز تشریف آوردند و جواب دادند (صحیح است) امیدوارم که سایر وزراء هم همین رویه را تعقیب کنند که این سؤالاتی که در مجلس میشود بلا جواب نماند از این حیث الحق تشکر میکنم (ملک آرائی آفرین) و امیدوارم که دیگران هم ایشان تأسی بکنند و بنده فرمودند که بنده عقیده به مجازات داشتم مجازاتی شدید حالا هم همان عقیده را دارم از عقیده ام برنگشتم اگر آن عقیده که بنده داشتم و دارم عملی میشد این ترتیبات امروز پیش نیامد اگر یک کسی که معلوم میشد سارق است و خائن است آن روزی که معلوم میشد مجازات میکردند ابتدا این ترتیبات پیش نیاید و ابتدا این شانزده هزار خروار غله در انبار مفقود نمی شد و این وضعیات امروزی پیش نمی آمد چرا اینجور شد؟ بواسطه اینکه مجازات نبود در ملک هم اش را بواسطه با به رشوه یا به دوستی یا به چیزهای دیگر صرف نظر میشد یا به ترجمات بیجا مرد که بیست دفعه سرق کرده در این بیست دفعه گیر آمده و حبس شده باز دفعه بیست و یکم مرخص میکنند باز هم مجازاتش نمیکنند این قهراً همه را دزد میکنند باید همان عقیده را که بنده داشتم و دارم عمل بکنند باید مجازاتها شدید باشد تا این سرقته ها نشود و این محظورات پیدا نشود بنده به آن عقیده باقی هستم و از آن عقیده برنگشته ام

حالا هم دارم که یک دزد محقق و مسلمی که هیچ قسم علاج او را نمیشود کرد و همچو دستی که بهان مرده به خیانت دراز میشود و غیر از خیانت کاری از او کاری نیاید به همچو دستی ما نباید احتیاط بگذاریم برای اینجور دست ما نباید قیمتی قائل شویم باید اینجور دست را قطع کنیم تا دیگران عبرت بگیرند و سرقته داخلی نشود. راجع به این کسر انبار که میگویند از کجا شده و تفسیر چیست میگویند شانزده هزار خروار کسر داریم از چه؟ از افت انبار. افت انبار یعنی چه؟ این رعیت بیچاره را غیر رعیت یک خروار گندم که میآورد در آنجا میگویند بیست و پنج من افت هر چه الیس میکند بیست و پنج من از کجا؟ بخرج میبرد میگویند این را باید کنار بگذاریم دیگران را بیآوریم این بیچاره مجبور میشود که هر چه بگویند تسلیم بشود آنوقت میگویند شانزده هزار خروار گندم از این قبیل کسر غله داریم یعنی غله که توی سر رعیت زدیم و گرفتیم حالا شانزده هزار خروار کسر شده است خوب از قدیم میگفتند هر چند را بد آورد بادش برد اینها چون اینجور از مرده گرفتند اینجور خوردند فهمیدند که در انبار جای خوردن اینجور چیزها است دیدند دولت از رعیت اینجور میگیرد آنها هم بردند خوردند پیش خوب بود که از روز اول یک نفر بفرستند در انبار به بینند اگر افت پنج من را بازده من بگیرند بگویند چرا ده من زیاد میگیرید تا اینکه اعضاء انبار بدانند که دولت بنمایش بر عدالت است خودشان هم دیگر دزدی نکنند پس تقصیر چیست تقصیر با خود دولت است که روز اول اجازه داد که آنجا اینکار را بکنند و الا شانزده هزار خروار کسر یعنی چه؟ خدا شاهد است خود بنده گندم بردم گفتند خرواری چهل من جو دارد همان جو راهم عوض گندم دادند بمردم در صورتیکه شاید خرواری پانزده من جو داشت در چهار سال قبل که بنده بیجاک هایش را هم نگاه داشتم برای یک روزی این افت انبار است خوب عرض میکنم دولت چرا باید این قدر جنس وارد

بکنند در سال گذشته از همه نقاط جنس وارد کردند بنده در همین جا در پشت همین تریبون عرض کرده که باب این جنس هائی را که جمع میکنید ضایع می شود فساد میشود از مردم بیچاره میگیرید اینجا میورید میماند فساد میشود آقای نصرت الدوله وزیر مالیه بود فرمودند خیر ما ابد نخواهیم گذاشت خراب بشود حفظ میکنیم نگهداری میکنیم بطوریکه یکدانه از آن هم خراب نشود خوب این تشیقاتش شد پارسال عرض کرده ام امسال هم اینجا عرض میکنم علاوه بر این راجع به وضعیت ارزاق طهران که دولت اداره کرده است خیلی خوب در پنجاه سال قبل به شش سال قبل یکسال زمستان سرمای شدیدی شد غالب زراعت را سرما زد بنده در همین سال که پنجاه سال قبل بود آمده در جاهائی که داخل عمل بوده گفتم امسال قریب سه ماه بیچاره آمد ارزاق طهران کسر دارد از حالا تهیه کنیم اولاً که اعتدالی بهر ایش بنده شد و بعد هم که اعتدال کردند از روسها خواستند گندم بخرند آنها هم حاضر شدند گفتند که طهران خرواری سی تومان وارد میشود گفتند خیر اگر بیست تومان وارد شود ما میخریم چون اینطور شد اینها هم خریدند نخریدند؟ وقتی که به سختی افتادند کسری هم که ارزاق طهران داشت زیاد تر از سه ماه نبود و این کسر را هم یک مقدارش را (پنج هزار خروار) روسها بعنوان اعانه دادند یک مقدار دیگر را هم آوردند در انبار فروختند خرواری پانزده تومان بیست تومان بده نیست یک مقداری هم از ایشانی خریدند و خرواری صد یا صد و بیست تومان وارد شد تمام ضررهای آن سال را اگر دولت یک اداره صحیحی داشت و خوب اداره میکرد تمام آن ضررها یک میلیون میشد اما متأسفانه یک عده خود سر ریختند در انبار هر چه خواستند کردند آمد بمجلس هشتاد هزار تومان پول جوال آمد اعتراض نکردند چقدر پول گونی اعتراض نکردند چقدر رئیس گونی ها

رئیس گویینها کدام بوده از این قبیلها (خنده نمایندگان)
 درست کردند کسی اعتراض نکرد. آن اعتراض نشدن و
 رسیدگی نکردن آن روز این را پیش آورد پس این
 تقصیر خود دولت است تقصیر کسی نیست تقصیر دولت
 است که جلوگیری نکرد. خوب علاوه بر این سه ماه
 چهار ماه کسر داشت دولت چهار ماه ارزاق تمام طهران
 را بختی داده است در این چهارماه حساب کنیم ببینیم
 چقدر میشود بآن اعلی قیمت هم حساب کنیم جلاچند
 سال است دولت خودش اداره کرده است که جبران
 ضرر آن سال را بکند جبران ضرر حقیقی آن سال
 چقدر میشود ضرر حقیقی آن سال کم بود حالا دیگران بواسطه
 سوء اداره دولت استفاده کردند و خیانت کردند و بدولت ضرر
 خورد ملت تا چند سال دیگر باید ضرر آنرا بدهد علاوه بر این
 خوب دولت سر داد مال کی بوده مال خود مرده
 بود. کسی از مال پدرش نیامورده بود بمردم بدهد
 از خود مردم گرفته بودند در عرض سه ماه چهار ماه
 دادند به خود مردم خوردند حالا سی سال چهل سال
 باید ضررش را ملت بدهد. امروز گنده را خرواری
 سیزده تومان و چهارده تومان در انبار از رعیت میخرند
 بد نانو هم میدهند بیست و پنج تومان و نیم نانو نان
 را میدهد یکمن دوازده عباسی. امروز روزی است که
 در طهران نان یکمن دوازده عباسی فروش برود...

کازرونی - قیمت نان باید يك قران باشد

فیروز آبادی - این اداره کردن دولت است معلوم
 میشود اینجور کارها را دولت نمیتواند اداره کند بعضی
 از آقایان میگفتند بنده مخالف بوده حالا فهمیدم که
 دولت اداره کنند انبار و ارزاق و این قبیل چیزها
 نیست هر وقت اینجور کارها را میکند خراب میکند
 امید وارم انشاء الله بعدها خودشان جلوگیری از اختلاس
 اولی میکنند تا گرفتار اختلاسات زید نشوند
 اختلاس زیاد نتیجه اش این است که امروز این
 گرانی نان همه را مختلس کرده میگوئیم چرا نان یکمن

دوازده عباسی بخوریم نان یکمن بقران و شش عباسی
 میخوریم بنده خودم هر وقت که از فیروز آباد میآیم
 دو من نان زیر بغلم میگیرم و می آورم پس دولت
 خودش همه مردم را مختلس کرده مثل این که
 در باب تبریک بنده اینجا اینقدر عرض کرده که قیمت
 این باندول زیاد است برای تبریک حالا بخرج رفت و
 امروز همه مردم شده اند مختلس و قچ قچی تبریک
 خوب بکسیر تبریک میگذارند توی جیب چهار تومان و نیم
 فیده اش است کی نمیکند؟ کدام وزیر کدام امیر
 کدام عالم کدام جاهل این اختلاس را نمی کنند؟
 (خنده نمایندگان)

احتشام زاده - آده درست

فیروز آبادی - یکی پیدا بشود بگوید که من
 نیکنم (خنده نمایندگان) من تصدیق میکنم حالا در
 خدمت امید وارم انشاء الله آقای وزیر عدلیه بهمان اعمدی
 که مجلس بایشان داشت ...
 بعضی از نمایندگان - و دارد

فیروز آبادی - و آن رأی را هم داد در این قسمت
 عملیات خیلی مراعات حال مردم و حال اوصاف و حال
 آسایش مردم را بکند این اشخاص را عرض کردم
 مقصر نیستند مقصر خود دولت است اگر روز اول
 جلوگیری می کرد بهتر بود حالا هم آن اشخاص دو ماه
 حبس ایشان است خوب است زودتر رسیدگی کنند
 و اینهارا مرخص بکنند اینها اشخاص محترمی هستند
 محال است عقب اختلاس بروند انشاء الله شب و روز
 خودشان را صرف این بکنند که اینهارا زودتر مرخص
 بکنند و یک قسمی بشود که بنده بیایم اینجا تشکر کم
 خوب اگر صد هزار تومان دادند مردم پنجاه هزار تومان
 پیدا کردند امیدوارم که يك پیدا کردن دیگری بعد از
 این بکنیم از معادن و اینجور چیزها از این چیزها
 پول پیدا نمیشود

[۳ - مذاکره در لایحه تأمین مدعی به از ماده ۲۲]
 رئیس - لایحه قانون تأمین مدعی به از ماده سی و دو
 مطرح است قبلاً به استحضار آقایان میرسانم که آقای دهستانی
 و آقای فرخی اجازه خواسته اند وقتی که سؤال میشود
 تنها کسی که سؤال کرده است میتواند حرف بزند
 (صحیح است) دیگران نمیتوانند حرف بزنند (صحیح است)
 ماده سی و دو - توقیف محصول املاک و بناها و لو
 اینکه محصول عین مدعی به یا محکوم به باشد ممنوع است
 مگر در مواردی که سایر دارائی منقول و غیر منقول
 مدعی علیه یا محکوم علیه برای تأمین مدعی به یا
 محکوم به کفایت نکند

در صورتیکه مدعی یا محکوم له تواند برای طرف
 دارائی دیگری ارائه دهد و بدین جهت محصول ملک به
 بده توقیف شود مدعی علیه یا محکوم علیه حق دارد
 تقاضای تبدیل نموده به مطابق مقررات فوق ضمن بدهد
 هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که
 از حیث سهولت فروش و قیمت کمتر محصول نباشد
 پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد و لو اینکه
 محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی به
 یا محکوم له رضایت به تبدیل ندهد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این ماده خیلی خوب تنظیم شده
 با آن نظری که همه ماها داشتیم راجع به توقیف املاک
 که نوعی واقع شود که اسباب تفریط و تعدی و تلف اموال
 نشود نه آن کسی که حق دارد حق او از بین برود نه
 هم واقعاً مثل آن توفیقاتی که روز گذشته عرض کردم
 بعد از این واقع شود که حقیقه این توقیف های سابق
 تلف مال مردم بوده است چیزی که هست آقای مخبر
 وجه داشته باشد این موضوع است که در اینجا میگوید
 هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری که از
 حیث سهولت فروش و قیمت کمتر از محصول نباشد

پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد. اینجا
 دیگر الزام نمیکند آن تقاضا را میگوید تقاضای او
 پذیرفته خواهد شد اما دیگر الزام نمیکند که این
 تقاضا اجباری است اکنون در مقید اینکه
 اگر محکوم علیه آمد آن عالی را که باید توقیف کنند
 خودش گفت که مال دیگر مرا توقیف نکنید محصول
 مرا توقیف کنید اینجا آقای مخبر توجه فرمایند
 (حیف که نمیگذارند) آقای وزیر هم توجه فرمودند
 که چند جور ماده را تنظیم کردند میگوید مدعی
 علیه یا محکوم علیه حق دارد تقاضا نماید که بجای دارائی
 دیگر من محصول مرا توقیف نمایند در اینصورت تبدیل توقیف
 الزامی است نظر بنده این است که آقای مخبر توجه فرمایند در
 اینجا مطابق همان نظری که در کمیسیون اتخاذ شد که
 بقدر امکان توقیف نسبت به محصول از بین برود یعنی
 در واقع خیلی این حکم را محدود کنیم خیلی لوازم را
 از این حکم برداریم که اسباب تلف واقع نشود و در
 واقع بهر جائی که راه فرار داریم که بتوانیم فرار
 کنیم از توقیف محصول این راه سراسی مان باز است
 مگر در وقتی که ناچار بشویم و به بینیم مطابق آن
 تقاضای طرف و حتی تقاضای طرف در مواردی که
 الزامی است که محکوم باید بپذیرد تقاضای همین را و
 ناچار بشود که راه مسدود است آنوقت توقیف طبیعاً
 میرود روی محصول. اینجا آمده است فرق گذاشته
 میگوید هر گاه مدعی علیه یا محکوم علیه تأمین دیگری
 که از حیث سهولت فروش و قیمت کمتر از محصول
 نباشد پیشنهاد کرد تقاضای او پذیرفته خواهد شد نمی
 گوید که تقاضای او الزامی است در صورتیکه طوری ما
 در نظر گرفته بودیم که هیچ نسبت به محصول توقیف نباشد
 توقیف حتی الامکان نسبت به غیر محصول باشد و ما باید
 به فشاری کنیم در قوانینی که از مجلس میگذرد عنوان
 توقیف نسبت به ملک و محصول از بین برود و این سابقه

بدی که پیدا شده است و املاک را از بین میبرد باید که کم بحکومت قانون از بین ببریم این جا می نویسد که تقاضایش پذیرفته خواهد شد که بگوید الزامی است این تقاضا ولی در صورتیکه محکوم علیه تقاضا کند بگوید که نه دارائی دیگر مرا توقیف کنید خنده مرا توقیف نکنید یا خیلی فرنگی ماب است مباحش را میخواهد بگوید مباد من را توقیف نکنید ولی بروید من کننده مرا توقیف کنید خیلی فرنگی ماب است دیگر بگوید بروید من مرا توقیف کنید و مبلغ را توقیف کنید که مهم خورد این جا الزامی است اما در تقاضای تبدیل زراعت و محصول بدارائی دیگر الزامی نباشد؛ این جور تمیزید بآن فلسفه که در کمیسیون در نظر بود که محصول حتی المقدور توقیف نشود و بنده عقیده ام این است که هر جا توقیف نسبت بمحصول است و تقاضای تبدیل میشود که از توقیف آن محصول خرج شود این جا باید تقاضای تبدیل را بپذیرند و الزامی باشد و هر جا که نسبت بغير محصول است الزامی نباشد ولی در این ماده برخلاف این نظریه نوشته اند و قبول تقاضای رفع و تبدیل توقیف محصول را الزامی نکرده اند و بنده پیشنهاد میکنم که این قضیه اصلاح شود

مخبر - عرض کنم مقصود از عبارتی که در اینجا نوشته است و آقا قرائت فرمودند در ماده این است که تبدیل الزامی باشد اگر عبارت اخیر و قسمت آخر ماده را قرائت می فرمودند این معنی حاصل می کردند و ملاحظه می فرمودند که این منظور شده و نوشته شده است ولو اینکه محصول عین مدعی به یا محکوم به بوده و مدعی یا محکوم به رضایت به تبدیل ندهند باز تقاضا پذیرفته میشود اگر چه آن مدعی یا محکوم به رضایت ندهد و تقریباً این جمله اشکال است از اینکه بنویسیم الزامی است (صحیح است) و نظر شما تأمین شده است معیناً اگر در نظر دارید ممکن است يك عبارتی تهیه و پیشنهاد کنید که این نظر را برساند والا

اموال منقوله . بعد می نویسد هر گاه محصول جمع آوری نشده باشد بر داشت محصول خواه دفعتاً باشد خود بدفعات یا حضور مأمور اجرا بعمل خواهد آمد این را بنده نمیدانم مأمور اجرا چه جور می تواند توقیف کند؛ چون باز می نویسد مأمور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد . خوب مأمور اجرا چه قسم رفتار کند و تکلیفش چیست؟ این جا که درست و واضح معلوم نشده چون می نویسند که حق مداخله در امر برداشت محصول ندارد و شاید رفت که محصول مدعی علیه را تحت نظر در بیاورد و توقیف کند بموجب این ماده مخصوصاً باو گفته میشود که تو حق مداخله نداری دیگران هم که حق مداخله ندارند پس مأمور چه شکل آنچه وظیفه کند و توقیف کند؟ خوب مداخله که نمیتواند بکند پس توقیف هم معنی ندارد معنی توقیف این است که مأمور اجرا حاصل املاک محکوم علیه را بر دارد یعنی سهم او را بر دارد و برد در يك گوشه بریزد توقیف مهر و موه کند تا این که محکوم حکم قطعی صادر کنند و در این مدت توقیف از مداخله هر کس جلوگیری کند تا موقع صدور حکم یا بر له مدعی و محکوم له یا بر علیه او ولی در این صورت که در ماده این قسم نوشته اند بنده نمیدانم قانون چه شکل اجرا میشود چون تکلیفی برای مأمور صریحاً معلوم و معین نشده و نمیدانم با این ماده مأمور چگونه مأموریت خودش را اجرا می کند؛ بعلاوه در ذیل ماده نوشته شده است مدعی یا محکوم له نیز در موقع برداشت محصول حق حضور خواهند داشت پس از برداشت محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد . در فوق هم بنده که يك مقرراتی ندیدم که مطابق آن مأمور اجرا بوظائف خود رفتار کند این را استدعا دارم آقای مخبر يك توضیحی بدهند .

مخبر - عرض کنم که نظر اعضای کمیسیون و آقای وزیر عدلیه این بود که محصول حتی الامکان توقیف نشود ولی اگر ناچار شدیم که محصول را توقیف کنیم همینطور که در ماده فروختنش معین شده آن محصولات را بترتیبی که معین شده توقیف می کنند - بعضی محصولات هست مثل گندم و جو و غیره که يك دفعه برداشت می شود بعضی ها ترتیب دیگری دارد و تدریجی است مثل یونجه و پنبه که بدفعات عدیده پنبه یا یونجه را باید بردارند بعضی محصولات هم هست مثل ترباک در اوقات و ساعات معین و با ترتیب خاص باید جمع آوری کرد که شبیه بهیچکدام نیست - خوب اگر محصول جمع آوری شده باشد عین محصول متعلق بسهم مالک را که فعلاً طرف ادعاست و متعلق بمدعی علیه یا محکوم علیه است مأمور اجرا توقیف میکند مطابق مقرراتی که در مواد بعد میاید راجع بتوقیف اموال منقوله - اگر هم محصول بدفعات جمع آوری باید بشود آنچه باید وقتی که محصول تمام جمع آوری شد مأمور باید مداخله کند اگر بخواد هر دفعه در حین جمع آوری مداخله کند این مقصودی که ما داریم بعمل نمی آید یعنی حیف و میل هائی ممکن است بدست مأمورین پیش بیاید و واقع شود و ما میخواهیم يك قدری دست مأمورین کوتاه باشد و مأمور اجرا در حین برداشت محصول مداخلاتی نداشته باشد خود مالک یا زارع به ترتیبی که بین خودش منقول است جمع آوری میکنند وقتی که سهم مالک معین شد چقدر است آنوقت مثل محصول جمع آوری شده آن مقدار را بردارند و توقیف کنند نه اینکه هر دفعه در حینی که دارند پنبه چینی می کنند برود و مداخلاتی بکند و دستوراتی بدهد در این صورت تصدیق می فرمائید که يك تقریباتها و يك حیف و میل هائی ممکن است بشود و مأمور در حین برداشت محصول يك دخالت هائی شاید بکند که صلاح نباشد و منظور نیست (صحیح است) ولی وقتی که محصول بدفعات عدیده جمع آوری شد آنوقت

مثل محصولی که یکدفعه بدست آمده بروند و توقیف کنند که در برداشت محصول مأمور مداخله نکنند و همانطوری که در ماده نوشته شده بهتر است و گفته شده است مأمور برود ولی حق مداخله داده نشده است (حق هیچگونه مداخله) باو در برداشت محصول فقط برای توقیف مقدار محصول جمع آوری شده می رود و حضور پیدا می کنند - عبارت اخیر: پس از برداشت محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد یعنی مثل آن چیزهایی که محصولش یکدفعه بعمل می آید و بدست می آید آنوقت این مأمور پس از برداشت محصول تدریجی مثل محصولی که یکدفعه بدست آمده اجرا و توقیف میکنند و مقصود این است که قبل از برداشت محصول و در حین عمل مأمور مداخله نکنند و عبارت هم خیلی واضح و روشن است (صحیح است) رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خودم را خیالی مصاب میدانم در اینکه در مواد لایحه صحبت و بحث شود بعلمت اینکه یک وقتی در کمیسیون معارف مذاکره شد و دیدیم که در مقام عمل دولت مجبور شده است و محتاج شده است بصورت مذاکرات مجلس مراجعه کند چون صورت مذاکرات مجلس حل اجرائیات را کرده است (صحیح است) در این جا خیلی اختلاف نظر است بین بنده و آقای وثوق در یک قسمت فرمایشات آقای یاسائی هم کاملاً موافق هستم که ما بقدر امکان و قوه نظریان این است که نسبت محصول بنا برآن فلسفه که عرض شد توقیف بعمل نیاید (وثوق - این یک کلی است) ولی وقتی که مجبور شدیم توقیف کنیم مأمور که می آید مجرد آمدن این یک عضو ناظری است که باید بیاید و نگاه کند که چقدر محصول بدست آمده است و صورت بردارد مثل اینکه مدعی یا محکوم له را هم حق حضور بهشان داده ایم همین اندازه ناظر بودن دیگر مأمور نباید مثل مأمورین غلاظ و شداد نوی سر مردم بزند و بگوید ای

از برداشت محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد - مقصود این است که تقسیمات میدکند خرج بذر را خارج میکنند خرج تنقیه فئات را خارج میکنند علوفه عوامل را منظور میکنند آنقدری که باقی ماند و سهمش است آن باقی مانده را توقیف میکنند آنچه که بنده فهمیدم نظر این است و این ماده خیلی صحیح است و لازم هم هست بنظر بنده

مخبر - آنچه بنده از فرمایشات آقا استنباط کردم نظرشان این بود وقتی که بنده شد محصول توقیف شود مأمور اجرا این امر را بتأخیر نیندازد اگر فراموش نکرده باشد در موادی که قبلاً مذاکره شد در آنجا قید شده که قرار محکمه وقتی که صادر شد بمحض ابلاغ شروع با اجرا میشود (آقا سید یعقوب - صحیح است) بنا بر این نظر همین بوده است بهیچوجه بین ابلاغ قرار و اجرا تعویق و تأخیری نخواهد بود و مقصود حضرت عالی حاصل است و فرجه نیست همین قدر که قرار از طرف محکمه صادر شد شروع با اجرا میشود و اگر ما بخواهیم محکمه را قبل از صدور قرار مکلف کنیم که تشریحاتی قائل شود و اخطار بگذرد و رفته بفرستد این که نمیشود هر وقت قرار ابلاغ شد از طرف محکمه مأمور باید اجرا کند (آقا سید یعقوب صحیح است)

رئیس - ماده سی و چهارم قرائت میشود:

ماده سی و چهارم - هرگاه در میزان مخارج معموله زراعتی بین مدعی علیه یا محکوم علیه و طرف او در صورت حاضر نبودن طرف بین مدعی علیه یا محکوم علیه و مأمور اجرا اختلاف باشد حد اقل میزان مزبور از محصول موضوع و بقیه توقیف میشود تا محکمه که قرار توقیف صادر کرده تصمیم قطعی اتخاذ نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این جا فهمیدم این احتیاط موضوع ندارد - این طور نوشته اند در ماده هرگاه در میزان مخارج معموله زراعتی بین مدعی علیه یا محکوم

علیه و طرف او اختلاف باشد حد اقل میزان مزبور از محصول موضوع و بقیه توقیف میشود - حد اقل یعنی چه؟ مثلاً مخارج بذر تنقیه فئات مخارج شخم و غیره است یعنی مخارج مصالح و عوامل زراعت که اصطلاح زارعین است اگر این جا در این مخارج اختلاف شد بین مدعی علیه و طرف او یا با مأمور اجرائی نویسد که حد اقل مخارج موضوع می شود چرا؟ ما باید باز در این جا همان فلسفه را در نظر بگیریم و غالباً در رأی بنده متوجه همان فلسفه میشوم نظر من حفظ کردن فلاح است روح دادن و قوت دادن فلاح است و می خواهیم حتی المقدور محصول توقیف نشود این نظر را در تمام قوانین ما ملاحظه می کنیم و باید همیشه این روح را در نظر گرفت و رأی داد که تقویت از فلاح باشد ما باید این روح را در تمام قوانین ما ایجاد کنیم بعد از آن که این فلسفه ملحوظ شد نشانه دولت هم ملاحظه خواهد کرد و وقتی در دولت هم این فکر ایجاد شد و قوت گرفت آن نقطه اساسی که مذکرات روایت می رود و بنام مقام سعادت می که منظور نظر همه است خواهد رسید با این مقدمه بنده این ذکر حد اقل در ماده مخالف بید آن چیزی که آن فلسفه که منظور نظر است ملاحظه کنیم نسبت بن اندازه که بین طرفین اتفاق است همان را معین کنند و محل اختلاف را بپردازند چیزی مثلاً او میگوید بیست و پنج تومان خرج است مدعی میگوید بیست تومان است بیست تومان که محل اتفاق شان است دیگر نباید (با این که درست است بیست تومان هم حد اقل می شود) حد اقل بگیریم خیر نسبت به آنقدری که اتفاق دارند صحیح باشد و مازاد و اختلاف را بمحکمه بیاورند که رسیدگی کند

این نظر بنده است حالا توضیح بدهید

مخبر - عرض کنم در صورتیکه بین مدعیین و مأمور اجرا اتفاق باشد و توافق نظر باشد در مخارج زراعتی که اختلاف نیست تا بمحکمه برود همان حدی که محل

توافق است آن را منبها می کنند و بقیه محصول را توقیف می کنند اما اگر اختلاف شد باید حد اقل محسوب شود تا محکمه تکلیف قطعی را معین کند و همان حد اقرا منبها دانند یعنی اگر فرضاً مدعی گفت بیست خروار بنذر و سایر مخارج است و مدعی علیه گفت بیست و پنج خروار اگر ما حد اقل را بگیریم و بیانییم بیست و پنج خروار بگیریم و منبها کنیم و نسبت باختلاف برود محکمه و محکمه هم بیست خروار را تصدیق کند این چه برآوردن آن پنج خروار از مدعی علیه قدری مشکل است ولی اگر از اول همان حد اقل را منبها کردیم و توقیف کردیم و نظر محکمه بیشتر بود آنوقت برآوردن و برآوردن آن چندان اشکالی ندارد و اسباب زحمت نیست و پنج خروار زیادی را میدهند بمالك (مدعی علیه) که برود خرج زراعتش کند و در صورت عالی پس گرفتن آن پنج خروار از مالك توقیف کردن آن قدری اشکال دارد پس این ماده مقرون با احتیاط است و درست هم تنظیم شده است.

رئیس - ماده سی و پنجم:

ماده سی و پنجم - در صورتی که محصول قبلاً فروخته شده بر قیمت آن در موقع توقیف هنوز پرداخته نشده باشد قیمت نزد خریدار توقیف گردیده و اقساط آن در موقع وصول در صندوق عدلیه توقیف خواهد شد

رئیس - ماده سی و ششم:

ماده سی و ششم - هر گاه محصول باجاره داده شده باشد مال الاجاره در نزد مستاجر توقیف شده و پس از وصول در صندوق عدلیه توقیف خواهد گردید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آبا - سید یعقوب - این جا آقای مخبر توجه بفرمایند که يك وقتی در اینجا هم گفته شده يك املاکی است اجاره داده میشود و تخم را هم خود آن مالك خواهد داد ملك را اجاره میدهد ولی تخم را هم خودش میدهد

حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر سنك - محمدحسن خان مسعودی - شهداد - یاسائی - طباطبائی دیبا - آقا شیخ محمد جواد - حاج میرزا علی اکبر امین - بنکدار

[۵ - موفع و دستور جلسه بعد ختم - جلسه]

رئیس - اگر موافقت میفرمایید جلسه آتیه روز

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

تخم را هم از همان مال الاجاره میدهد - در این جا نوشته شده است هر گاه محصول باجاره داده شده باشد مال الاجاره در نزد مستاجر توقیف شده الی آخر در صورتیکه ما آمدیم و گفتیم مصالح زراعتی توقیف نمیشود پس اینجا که نوشته شده است کلیه مال الاجاره نزد مستاجر توقیف میشود باید اینجا فید کنیم در صورتی که این مال الاجاره برای مصارف و مصالح زراعتی محتاج الیه نباشد. آقای مخبر آقا بشما صحبت میکنم اهوی. والله چیز غریبی است نه مخبر گوش میدهد نه وزیر چیز عجیبی است پیشنهاد میکنم خوب تمام شد دیگر پیشنهاد نباید بکنم مخبر هستی! عجب مخبری! حرف هر گوش نمی دهید

رئیس - ماده سی و هفتم فراموش میشود.

ماده سی و هفتم: توقیف اموال منقول بر تینیسی باید بعمل آید که در مقررات مربوط به اجرای احکام محاکم مصرح است

رئیس - ماده سی و هشتم:

ماده سی و هشتم - مهر و موه کردن اموال منقول با سپردن آن بخود مدعی عدلیه محکوم علیه و یا سپردن آن بشخص ثالث منوط بنظر محکمه است

رئیس - نظری نیست؟

(نمایندگان - خیر)

[۴ - اقتراح جمهه تبریک عید مولود امام عصر (ع)]

رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم (صحیح است) چون روز پنجشنبه مصادف است با عید تولد حضرت حجة سلاه الله علیه و میبایستی برای تبریک يك هیئتی را بقرعه معین کنیم این است که تعیین می کنیم (صحیح است)

(آقای مؤید احمدی اقتراح نمودند و نتیجه این قسم حاصل شد)

آقایان: جمشیدی - آقا سید کاظم یزدی - کاشانی -

